

تروریسم ۱۰۰ میلیارد دلاری ایران

این مقاله در ۸ ژوئیه ۲۰۱۵ در [ANTI WAR](#) منتشر شده است

توافق احتمالی هسته ای بین ایران و ۵+۱ بسیاری را نگران کرده است. انگیزه ها متفاوت است اما اکثر مخالفان نیروهای افراطی و جنگ طلب ایران، اسرائیل، آمریکا و کشورهای عربی هستند. مخالفت ها به شیوه های متفاوتی بیان می شود.

هرگونه توافقی به عدم اجرای تدریجی "شدیدترین تحریم های طول تاریخ" منتهی خواهد شد. تحریم هایی که مجازات جمعی مردم ایران و نقض حقوق بشر بوده و هستند (1 و 2 و 3). نیروهای افراطی ایران که از تحریم ها ده ها میلیارد دلار کسب کرده اند می گویند که توافق هسته ای خیانت است چرا که تمامی دستاوردهای هسته ای و استقلال ایران را پایمال می کند.

نتانیاهو، **برخی دولت های عربی** و گروه هایی در آمریکا هم می گویند که عدم اجرای تحریم ها یا لغو آنها ایران را به قدرت منطقه ای تبدیل خواهد کرد. **حدود ۱۰۰ میلیارد دلار از پول های توقیف شده ایران آزاد** خواهد شد و ایران همه یا بخشی از آنها را صرف گسترش تروریسم خواهد کرد. دیوید روثکوپف- مدیر عامل و سردبیر فارن پالسی- **نیز طی مقاله ای نوشته** که ایران دارای ۱۲۰ میلیارد دلار پول توقیف شده است. مدت توافق هسته ای ۱۵ سال بوده و در این مدت ایران ۳۰۰ میلیارد دلار هم درآمد نفتی خواهد داشت. در مجموع، ایران ۴۲۰ میلیارد دلار در طی ۱۵ سال آینده به دست خواهد آورد و اگر ۱۰ میلیارد دلار آن را هم در عراق و سوریه و تروریسم هزینه کند، بسیار زیاد است.

واقعیت های اقتصادی ایران

نگاهی به وضعیت اقتصادی و نیازهای روزمره زندگی مردم ایران نشان می دهد که ایران به چه حجم عظیمی سرمایه نیاز دارد تا مردم یک "زندگی انسانی حداقلی" - نه "زندگی خوب" - داشته باشند. بقای جمهوری اسلامی منوط به آن است که نیازهای اساسی به انفجار اعتراض های اجتماعی گسترده منتهی نشود. بدین ترتیب حجم زیادی از منابع رها شده را مجبور است در حوزه های زیر هزینه کند. آیا به بهانه هزینه احتمالی تروریستی جمهوری اسلامی می توان این نیازهای اساسی را نادیده گرفت و فقر و فلاکت بیشتری را نصیب مردم ایران کرد؟

به **گزارش بانک جهانی** میانگین رشد اقتصادی ایران طی دوره ۳۵ ساله ۲۰۱۴-۱۹۸۰، ۸/۲ درصد بوده است. میانگین رشد اقتصادی ایران در ده سال ۱۹۸۸-۱۹۸۰ که درگیر جنگ تجاوزکارانه صدام حسین بود، به منفی ۱ درصد رسید. در دوره ۲۴ ساله ۲۰۱۲-۱۹۸۹ میانگین رشد اقتصادی ایران به ۸/۴ درصد افزایش یافت.

مطابق گزارش سازمان ملل در ارزیابی شاخص توسعه انسانی، "ارزش شاخص توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران از ۰/۴۹۰ در سال ۱۹۸۰ به ۰/۷۴۹ در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است، که رشدی ۵۲/۸ درصدی را نشان می‌دهد."

با شروع شدیدترین تحریم‌های طول تاریخ، کاهش رشد اقتصادی ایران آغاز شد. به طوری که در دو سال آخر، به گزارش رسمی دولت ایران، به منفی ۶/۸ و ۱/۹ درصد کاهش یافت. رکود اقتصادی موجب افزایش شدید تورم و بیکاری شد. تولید ناخالص داخلی ایران - بر اساس تبدیل ریال به دلار - به ۳۹۳ میلیارد دلار کاهش یافته و ایران را به رتبه ۲۸ جهانی تنزل داده است.

قیمت نفت هم تقریباً به نصف کاهش یافته و درآمدهای بسیار اندک ایران را هم به نصف کاهش داده است. بحران خشکسالی بلند مدت هم به این‌ها افزوده شده و کشور را با بی‌آبی و مشکلات عدیده زیست محیطی مواجه ساخته است. هزینه همه این‌ها را مردم ایران می‌پردازند. هزینه حل برخی از مشکلات روزمره زندگی مردم ایران چقدر هزینه خواهد داشت؟ به چند مورد زیر بنگرید:

الف- سالانه ۲۵-۲۰ هزار انسان در تصادفات جاده ای جان می‌بازند. نرخ سوانح رانندگی در ایران ۲۰ برابر میانگین جهانی است. ایران در میان ۱۸۰ کشور دنیا از نظر ایمنی و تصادفات رانندگی در رتبه ۱۷۷ قرار دارد. برای حل این بحران، ایران نیازمند سرمایه‌گذاری عظیم در جاده سازی، نوسازی صنایع خودروسازی و فوریت های پزشکی است.

در حال حاضر طول آزاد راه های ایران بیش از ۲ هزار و ۳۵۶ کیلومتر است و مطابق برنامه باید تا ۱۰ سال آینده به ۱۰ هزار کیلومتر افزایش یابد. طول بزرگراه‌های کشور نیز حدود ۱۴ هزار و ۵۴۱ کیلومتر است، که باید یا ۱۰ سال آینده به ۳۰ هزار کیلومتر افزایش یابد. هزینه این طرح ها ۳۰ میلیارد دلار است.

ب- ایران دارای ۱۴۱ فروند هواپیمای مسافری با میانگین سن ۲۱ ساله است. در حالی که امارات متحده با یک سوم جمعیت ایران دارای ۴۳۱ فروند هواپیما با میانگین سن پنج سال است. ایران برای جابه‌جایی مسافر و تأمین امنیت مسافرت اتباعش مسافر، حداقل نیازمند ۴۰۰ فروند هواپیمای جدید است که هزینه آن حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار خواهد شد.

پ- صنعت نفت ایران که تأمین کننده اصلی درآمدهای اقتصاد نفتی کشور است، برای بازسازی و نوسازی صنایع موجود و رسیدن به تولید نفت حدود ۴ و نیم میلیون بشکه در روز، نیازمند ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده است.

ت- صنایع پتروشیمی ایران برای اتمام طرح های نیمه تمام باقیمانده خود حداقل نیازمند سالانه ۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. فقط برای ۶۰ طرح نیمه تمام ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است.

ث- نیروگاه های برق ایران نیز فرسوده‌اند و مردم با خطر قطع برق مواجه هستند. ساخت و انتقال برق تولیدی یک نیروگاه یک‌هزار مگاواتی به مصرف کننده، نیازمند دو میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است.

اگر ایران بخواهد به اندازه تولید ۱۰ هزار مگاوات برق سرمایه‌گذاری کند (چه برای حفظ و نگهداری تأسیسات موجود و چه برای افزایش موجود)، به ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد.

ج- هزینه نظامی ایران با جمعیت قریب به ۸۰ میلیونی بسیار کمتر از هزینه نظامی دیگر کشورهای منطقه- عربستان سعودی، قطر، امارات متحده، ترکیه، کویت، اسرائیل، و...- است. عربستان سعودی فقط در سال ۲۰۱۴، ۸۰ میلیارد دلار سلاح خریداری کرده است. امارات متحده ۲۳ میلیارد و قطر، صرفاً ۱۱ میلیارد دلار صرف خرید هلی‌کوپترهای آپاچی کرده است. ایران به عنوان دولت- ملت (صرفنظر از نوع رژیم) برای مقاصد دفاعی مشروع در چنین منطقه‌ای مجبور به هزینه کردن در حوزه دفاع است.

چ- خشکسالی بلند مدت ۱۴ ساله، مصرف ۹۲ درصد آب کشور در کشاورزی که آن را هدر می‌دهد، تبخیر زیاد آب سدها، وضعیت را به گونه‌ای کرده که میزان آب تجدید شونده در سال ۱۳۳۵ برای هر ایرانی در حدود ۶ هزار و ۹۰۰ متر مکعب بود اما این میزان در حال حاضر به هزار و ۵۰۰ متر مکعب رسیده است. براساس رتبه بندی کشورهای به لحاظ پرداختن به مسائل محیط زیستی، ایران از نظر مدیریت منابع آب از ۱۰۰ نمره ۲،۷۷ و رتبه ۱۱۷ جهان را به دست آورد. نجات مردم ایران از بی‌آبی حداقل نیازمند ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است.

همین هزینه های سرسام آور در بخش های بهداشت و درمان و داروهای ضروری، حمل و نقل و مخابرات هم مورد نیاز است.

بدین ترتیب، برای سلامت فیزیکی و روانی مردم ایران در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده به حدود یک هزار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است.

به گزارش سازمان CIA میزان بدهی خارجی ایران در پایان سال ۲۰۱۴، ۱۰ میلیارد و ۱۷۰ میلیون دلار بوده که این را هم باید از ذخائر ۱۰۰ میلیارد دلاری کم کرد.

دولت روحانی دائماً از تأمین نیازهای ضروری مردم و سرمایه‌گذاری در بخش تولید سخن گفته و می‌گوید و تأکید دارد که تحریم‌ها باید لغو شوند، تا سرمایه بیاید و مشکل محیط زیست، اشتغال، صنعت و آب خوردن مردم حل شود، منابع آبی زیاد شده و بانک‌ها احیا شوند. عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی ایران در ۲۶/۳/۹۴ در سخنرانی در آکادمی دیپلماتیک بین‌المللی فرانسه با موضوع اقتصاد ایران در چشم‌انداز لغو تحریم‌های بین‌المللی "شرکت‌های غربی را دعوت به سرمایه‌گذاری ۸۰ میلیارد دلاری در ناوگان هوایی و دریایی و ریلی ایران کرد. وزیر نفت ایران نیز غول‌های نفتی غربی را به سرمایه‌گذاری سالانه ۲۰ میلیارد دلاری در صنعت نفت ایران کرده است.

نگران چه هستند؟

اما مشکل دیوید راثکپف این است که رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی ۱۰ درصد ذخایر ۱۰۰ میلیارد دلاری خود را صرف منطقه و تروریسم کند. هیچ کشوری- از جمله ایران- نباید از فعالیت‌های

تروریستی حمایت به عمل آورد و به دنبال براندازی یا ناامن سازی دیگر کشورها باشد. اما منطقه دارای فقط یک بازیگر نیست و باید به نقش تمامی بازیگران در کلنگی کردن و شخم زدن منطقه نگرینست :

آمریکا با کمک متحدان خود در افغانستان القاعده و طالبان کمک کرد (1 و 2).

آمریکا با دروغ های بزرگ به عراق حمله کرد و موجب رشد القاعده و وضعیت کنونی آن کشور شد.

آمریکا به کمک متحدان اروپایی و عرب خود به لیبی حمله کرد و آن کشور را به این روز انداخت و موجب رشد گروه های اسلام گرای چون داعش در آن کشور شد.

سوریه هم با دخالت های مستقیم آمریکا (1) و 2 و 3 و 4 و متحدان منطقه ای اش به این روز افتاد. در اوت ۲۰۱۱ شیمون پرز و نتانیاهو گفتند: اسد باید برود. "ایهود باراک در دسامبر ۲۰۱۱ گفت اسد "طرف چند هفته خواهد رفت. قطر به تنهایی حداقل ۳ میلیارد دلار به گروه های اسلام گرای تروریست داده است. جو بایدن به صراحت گفت که متحدان ما (ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده) گروه های تروریستی مانند داعش و جبهه نصرت را به وجود آوردند. فارن پالیسی نوشت که جو بایدن به دلیل بیان حقیقت مجبور به عذرخواهی شد.

عربستان سعودی کشور فاقد هرگونه انتخاباتی که در روز روشن در میادین عمومی با شمشیر سر از بدن جدا می کند و زنان در آن کشور حتی حق رانندگی ندارند، در همه این رویدادها نقش مستقیم داشت. ۱۵ تن از عاملان فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر شهروندان این کشور بودند. دولت جرج بوش ۲۸ صفحه از گزارش اطلاعاتی سال ۲۰۰۲ به کنگره که به نقش خاندان سلطنتی و شهروندان عربستان سعودی در فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می پرداخت را حذف کرده بود.

عربستان سعودی نزدیک ۳ ماه است که یمن را محاصره کامل هوایی و زمینی و دریایی کرده و مردم آن کشور را بمباران می کند که طی آن هزاران تن کشته و زخمی شده اند. عربستان از بمب های خوشه ای استفاده کرده و آثار تاریخی را هم بمباران می کند. آمریکا لاقدر در سطح دیپلماتیک به طور کامل از حملات عربستان به یمن که تنها دستاوردش رشد القاعده بوده حمایت کرده است.

کودتای ژنرال سیسی علیه تنها دولت منتخب مصر، با کمک ۱۲ میلیارد دلاری عربستان و امارات و کویت صورت گرفت. دیده بان حقوق بشر کشتار آن کودتا را "بدترین کشتار جمعی در تاریخ معاصر مصر" خوانده است. زندانیان را شکنجه جنسی می کنند و با این همه دولت آمریکا از دولت کودتایی مصر حمایت همه جانبه به عمل آورده و آن را ضروری می داند.

اسرائیل سرزمین های فلسطینیان را اشغال کرده و طرح صلح دو دولت را نمی پذیرد. اسرائیل تاکنون به کشورهای عراق (۱۹۸۱)، لبنان (۷۸ و ۸۲ و ۲۰۰۶)، تونس (۱۹۸۵)، سوریه (۲۰۰۷، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵)، سودان (۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲) و کشتی مرمره در سال ۲۰۰۷ حمله نظامی کرده و اکنون خواستار انضمام بلندی های جولان اشغال شده به اسرائیل است. وزیر دفاع اسرائیل تهدید به بمباران اتمی ایران می کند.

ایران هم در این منطقه زندگی می کند که همسایگانش (پاکستان، هند، اسرائیل، و...) دارای صدها بمب اتمی هستند. جمهوری اسلامی هم از متحدان منطقه ای اش- سوریه، عراق، حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی و اخیراً از شیعیان یمن- حمایت به عمل می آورد. بنابر آخرین گزارش پنتاگون، دکترین نظامی ایران دفاعی است، برای جلوگیری از حمله به کشور و زنده ماندن در برابر تهاجم خارجی و مقابله با متجاوز.

اقداماتی که جمهوری اسلامی در منطقه انجام داده و می دهد، برای تضمین بقای رژیم است. هر رژیم سیاسی- اعم از دیکتاتوری و دموکراتیک- امنیت دولت را، که آن را امنیت ملی و منافع ملی می نامد، در اولویت قرار داده و بقای خود را با بقای این دو یکی قلمداد می کند. حتی با شدیدترین تحریم های طول تاریخ، این اولویت برای رژیم، و بخصوص رژیم های دیکتاتوری، از بین نخواهد رفت.

آیا دخالت خارجی در دیگر کشورها بد است یا فقط وقتی جمهوری اسلامی انجام دهد بد می شود؟ اگر دخالت خارجی بد است باید به همه دخالت ها نگریت و آن را محکوم کرد. اگر دولت ها حق دارند برای آن چه منافع ملی خود تشخیص می دهند دخالت کنند، در آن صورت محکوم کردن جمهوری اسلامی با اصل تقید به معیارهای واحد مغایرت دارد. راه جلوگیری از دخالت ها و گسترش طلبی های جمهوری اسلامی به رسمیت شناختن منافع مشروع سیاست خارجی و دفاعی ایران به عنوان دولت- ملت و کمک به دموکراتیزه کردن ساختارهای سیاسی و تقویت جامعه در برابر دولت دیکتاتوری است. ادامه تحریم ها به هر شکل و با هر توجیهی به تقویت بیشتر دیکتاتوری در برابر جامعه و بی قدرت کردن مردم ایران یاری می رساند.

هدف چیست؟ مخالفان توافق هسته ای و رفع تحریم ها نگران چه هستند؟ آیا آنها نگران دموکراسی، حقوق بشر، صلح و عدالت هستند؟ یا نگران متحدان دیکتاتور منطقه ای خود؟ یا حفظ وضع موجود در مناطق اشغالی فلسطین؟

بدون تردید برخی دولت ها و گروه های افراطی دوست دارند ایران را هم به سوریه دیگری تبدیل کنند. رهبران عربستان سعودی از جرج بوش خواسته بودند که "سر مار [ایران] را قطع کند". فرماندار سابق کانزاس هم می گوید ایران مار است و قبل از گزیدن باید کشته شود.

حل مسائل منطقه نیازمند همه جانبه نگری است. بدون صلح و امنیت جمعی، دموکراسی و حقوق بشری در کار نخواهد بود. جان کری نیز یک بار به درستی یادآور شد که مبارزه با تروریسم در منطقه منوط به صلح میان اسرائیل و فلسطینی هاست و افزود: "تمامی رهبران منطقه خاورمیانه در این عقیده او هم نظر هستند و می دانند که صلح اسرائیل و فلسطینیان افراط گرایی را از بین می برد".

آزادخواهان ایران معجزه گر نیستند که منطقه و ایران را به جهنم تبدیل سازید و آنان بتوانند آن را به جوامع و نظام های دموکراتیک ملتزم به آزادی و حقوق بشر تبدیل کنند.

نمی توان به بهانه احتمال این که جمهوری اسلامی ممکن است ۱۰ میلیارد دلار را صرف فعالیت های منطقه ای اش کند، مردم ایران را تحریم کرد و آنان را از درآمدهای ملی شان محروم کرد و در بدترین

شرایط غیر انسانی نگاه داشت. آیا ۸۰ میلیون ایرانی انسان نیستند؟ آیا بدون توسعه و رفاه اقتصادی می توان دموکراسی و حقوق بشر داشت؟ ایالات متحده باید تلاش کند که کمک های ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و حامیان مالی خصوصی داعش و القاعده و جبهه نصرت و غیره در این کشورها قطع شود و کمک های حکومت ایران به دیکتاتوری حاکم بر سوریه هم متوقف شود. این سیاست یک کل منسجم است و نمی توان از یک سو به رشد افراطی ترین دشمنان دموکراسی کمک کرد یا بر فعالیت های آنان چشم بر بست و از سوی دیگر از جمهوری اسلامی انتظار داشت که فعالیت های منطقه ای اش را به معیارهای قانونی بین المللی مقید کند.

با این همه، شاید پرسیده شود که چه تضمینی وجود دارد که جمهوری اسلامی به جای آن که بازسازی اقتصادی را در اولویت قرار دارد، دخالت خارجی و حمایت از متحدان منطقه ای- از جمله حماس و حزب الله و جهاد اسلامی- را در اولویت قرار ندهد و درآمدهای خود را هزینه آنان نکند؟

در پاسخ باید گفت تا وقتی رژیم بقای خود را در خطر ببیند، هیچ تضمینی وجود ندارد. دولت های دیکتاتوری نگران بقای خود، هر جا لازم ببینند جنگ را به دیگر مناطق می کشانند تا خطر را از مرزهای خود دور سازند.

باید این ترس و نگرانی را زدود. از طریق یک پیمان جمعی که از سوی شورای امنیت سازمان ملل تأیید شود، باید تضمین شود که به هر کشوری در منطقه اگر برخلاف مقررات بین المللی حمله شود، شورای امنیت با آن برخورد خواهد کرد. و هیچ دولتی حق ندارد مخالفان دیگر دولت ها را مسلح سازد یا از آنها حمایت مالی به عمل آورد.

از سوی دیگر، بحران های اقتصادی داخلی ایران به حدی افزایش یافته که شاید موجودیت رژیم و جامعه را به خطر بیندازد. جمهوری اسلامی برای بقای خود چاره ای جز هزینه های کلان اقتصادی برای تأمین حداقل های زندگی مردم در پیش ندارد.

در عین حال، همان گونه که گفته شد نمی توان ملتی را به صرف این احتمال از درآمدهایش محروم کرد. مگر عربستان سعودی با ذخایر ۸۰۰ میلیارد دلاری تاکنون از گروه های تروریستی اسلام گرا حمایت مالی و تسلیحاتی به عمل نیاورده است؟ آیا ترکیه با آن همه درآمد از گروه هایی چون داعش حمایت به عمل نیاورده و نمی آورد؟ مگر [دولت اسرائیل در گذشته از رژیم های شکنجه گر آمریکای لاتین](#) و رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی حمایت به عمل نمی آورد؟ مگر [مایکل مورل، معاون سابق رئیس سازمان سیا، در مصاحبه ای با روزنامه راستگرای اسرائیلی جروزالم پست به اسرائیل اندرز نمی دهد که با شاخه القاعده در سوریه- یعنی جبهه النصرت- همکاری نکند؟ آیا هارتس اسرائیل همین مدعا را تأیید نمی کند که دولت اسرائیل به آنان کمک می کند؟ مگر اسناد حمایت دولت آمریکا از گروه های تروریستی \(\[کنترها در نیکار آگوا\]\(#\)، نظامیان گرداننده جوخه های مرگ در آمریکا لاتین \[1 و 2 و 3\]، و...\) انتشار نیافته است؟ پس با این منطق باید همه را از درآمدهای اقتصادی شان محروم کرد.](#)

هدف ما، صلح همگانی و گذار کل منطقه به دموکراسی و حقوق بشر است، اما گروه ها و دولت هایی فقط و فقط به تجزیه قدرت دولت ملت های موجود منطقه و ترسیم مرزهای جدید و ادامه خونریزی و کشتار بوده و هستند. با تداوم تحریم ها، نیروهای افراطی ایران دولت حسن روحانی را سرنگون خواهند کرد و مجدداً نیروهایی چون احمدی نژاد و سعید جلیلی ها قدرت را در دست خواهند گرفت. گویی برخی دولت ها و افراد همین هدف را دنبال می کنند. از نظر آنان ایران خوب ایرانی است که احمدی نژادی بر آن حکومت کند!

منبع: رادیو زمانه ، ۱۷ تیر ۱۳۹۴